

## پیش بینی اشغال افغانستان از سوی شوروی: سند اجتماع استخباراتی

یا

(داستان کودتاها در افغانستان: از کودتای 26 سرطان تا کودتای ثور و کودتاهای بعدی...)

10 - (سرنوشت امین)

### هدف گیری امین



ح. امین

یک (ارایه شده) در حمایت از نظر تحلیل گران استخباراتی در آن زمان حاکی اند که مسکو بخاطر انجام مساعی ناشیانه اش در ماه سپتمبر برای خلاصی امین که منجر به عزل تره کی شد در محدودیت ( ) گرفته . این اسناد همچنان نشان میدهند که رهبران شوروی - بخاطر پیامدهای بالقوی غصب قدرت توسط امین نگران (معذب) بودند. ( ) در خصوص دسته بندی کردن برداشت های مختلف عواقب تیراندازی کمک اندکی می نمایند چنان می نماید که یک سند نقش سفیر شوروی در تنظیم این ملاقات که در طی آن حادثه رخ داد تصدیق می نماید (اینکه) به تاریخ بیروی سیاسی به او رهنمود داد که چنین یک ملاقاتی را تنظیم نماید. اما شیوه ای که این پیام جمله بندی شده بود هیچ مبنایی را برای پنداشتن (فرض کردن) ارایه نمی کرد به او معلوم که تروری در کار است. اکثریت شواهد به سوی یک یا بیشتر رقیبان امین در رژیم افغان که مسؤل حمله از کمینگاه بودند استخباراتی شوروی در کابل یقیناً از . پراگراف دوم رهنمود مؤرخ سپتمبر بیروی سیاسی دخالت مسکو را (چنین) منعکس می نماید:



نقشه تقریبی تهاجم شوروی به جدی

از این حقیقت خود را آگاه بساز که ما دستگیری امین را توسط قوت گردان خودمان به عهده گرفته نمی توانیم زیرا این کار یک مداخله مستقیم در امور افغانستان بوده و عواقب دراز مدتی خواهد داشت.

اینکه بیروی سیاسی احساس می نماید تا چنین هدایاتی را صادر نماید خودی خود آموزنده بوده، حتی بیشتر از این می تواند . زیرا این بخش پیام همچنان (همزمان) به سه مقام عالی امنیتی شوروی آن موقع در نیز : پاولوسکی جنرال ارتش - که برای بررسی ارتش افغان در آنجا بود؛ لیوتنت جنرال گوریلوف رییس هیئات مشاورتی

نظامی و بوریس ایوانف ریزدنت (*Resident*) کی جی بی در کابل. خیلی ها می نمایند که این فرستادن اخطاریه برای افسرانی باشد که یک رو در رویی قاطع سیاسی بین دو رهبر افغان و اینکه مسکو در تلاش برکناری امین بود و بنابراین کسانی ( ) که نیاز به رهنمایی داشتند تا دست به هیچگونه عمل نسنجیده نزن.

مسکو تقریباً بطور قطعی روی تره کی/ یا هوادارنش برای برکناری امین توسط خودشان حساب میکرد. ناامیدی متعاقب هبران شوروی از اینکه تره کی قادر به چنین کاری نبود (نه شد) در توضیحات پس از - ناکامی دیده می شود، که با «بی تصمیمی» « » «نا توانی» و (تره کی) در روی دست گرفتن اقدامات فوری را دلایلی می شمارد که امین را قادر ساخت تا قدرت را تصاحب نماید.

اسناد شوروی نشان میدهند که در پیامد مساعی ناشیانه برای برطرفی امین، عکس العمل اولیه مسکو این بود که میدان (صحنه) کرده و کارها را خراب نه کند، در حالیکه در تلاش یک « جدید بود. یک گزارش عنوانی بیرونی سیاسی به تاریخ سپتمبر خاطر نشان ساخت که امین کنترل « همه اهرم های قدرت» بدست گرفت. رهنمودهای فرستاده شده به هیئات های شوروی در افغانستان می گفتند که «مصلحت آمیز خواهد بود که حالت حقیقی امور را طوری که هست در مد نظر داده، تعامل با ح. امین و رهبری ای که او ارایه می نماید را رد نه کرد». رونوشتی از یک ملاقات میان هونیگر و بریژنیف به تاریخ اکتبر نشان میدهد که رهبر شوروی شکایت دارد که "ما از همه شگردها و اعمال امین خوشحال نیستیم". بریژنیف خاطر نشان نمود که خط مشی حزبی اساسی امین - "انکشاف دادن انقلاب [یعنی تکیه بر مسیر کمونیستی] و پشتیبانی از همکاری با اتحاد شوروی" - بدان معنی است که مسکو به حمایت " " ادامه میدهد (اونه گفت به حمایت امین ادامه میدهد).



عکسی از مرگ اوران الفا در بگرام (تزیینی)

به زودی، اتهاماتی برملا خواهند شد که امین پای بند به "پیشبردهمکاری با اتحاد شوروی نبود". یک گزارشی از کمیسیون گرومیکو - یوستینوف - پاناماریو به تاریخ اکتبر پس از برشمردن اعمال سرکوبگرانه امین و پالیسی های داخلی زیان به شواهد فرضی (افواهی) ارتباط او با ایالات متحده استناد میکرد. "با در نظر داشت این و نیاز از انجام هر آنچه ممکن است برای اجازه ندادن به پیروزی ضد انقلاب در با جهت گیری مجدد ح. امین به سوی غر " گزارش دوام کار با او را طوری توصیه نمود که "برایش موقع داده نشود تا معتقد شود که ما [شوروی ها] به او اعتماد نداریم یا خواهان کار کردن با او نیستیم". این تماس های مداوم زمینه ای را فراهم خواهد کرد تا اهداف حقیقی او را برملا نمود، برای دست یابی اطلاعات مبنی بر تغییر جهت سلوک و طرز رفتار ح. امین در یک مسیر ضد شوروی پیشنهادات اضافی راجع به اقدامات (مقتضی) از سوی ما را ارایه می شود .

به عبارت دیگر همین که توجیهاات و براهین گرد آوری شدند کمیسیون با پیشنهاداتی برای تعویض او برخوردار گشت. احتمالاً پلان تعویض قبلاً (سرهم بندی) شده بود. مطابق معلوماتی که اکنون در دسترس قرار دارد در زمانی که این گزارش ارایه شد کارمل قبلاً به مسکو آورده شده بود. منابع مختلف در آن زمان گزارش کردند که ه نفر از توطیه - امین در ( ) به هیئات شوروی در کابل پناه گرفته می شد که از یک فرصتی در اواخر ماه اکتبر به مسکو گریز آمده شدند. (منظور همان شایعه انتقال در تابوت میت ها است.خ).

به تاریخ اکتبر اندروپوف و مارشال اوگاکوف رییس ستاد کل شوروی یک سفارش نامه ای را امضا کردند که (برمبنای بیرونی سیاسی برای دفاع از محل سکونت امین یک گروه - نفری عساکر را - ملبس یا یونیفورمی که شناخته نه شوند متعلق به نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اند - به افغانستان می فرستند. سفارش نامه حاکی بود امین، مصرانه، این را می خواست. این سفارش نامه می گفت که عساکر شامل یک گروهان (واحد) GRU ستاد کل خواهند بود، یعنی [Spetnaz] که برای، همین اهداف آماده شده بودند، استقرار شان در پروتوکول جون بیرونی سیاسی پیش بینی شده بود (عین پروتوکولی که استقرار نخستین گردان هوآبرد را در بگرام منظور کرده بود). این سفارش نامه انتقال هوایی واحد GRU به کابل، در نیمه اول ماه دسمبر امسال، پیشنهاد کرده بود. بیرونی سیاسی این توصیه را رسماً تصویب کرد.

هر چند مأموریت حقیقی این قطعه طی یک یادداشتی شخصی در اوایل دسمبر از سوی ا نی بریژنیف برملا شد؛ تقریباً در عین همان زمان بیرونی سیاسی توصیه های خودش برای بردن این واحد به کابل را در دست تصویب داشت. یادداشت تأکید می کرد که،، سرکوب های گروهی،، داشتند حکومت و نیروهای مسلح را نابود می کرد ادامه می داد که شواهد انحراف او (امین) به سوی غرب تأیید می نماید. یادداشت می گفت این کار همزمان " های انقلاب [کمونیستی] اپریل"، و یک "تهدید برای م بوسیله یک" تغییر جهت به سوی غرب" ایجاد می کند.



مرگ آوران الفا در کنار یک وسیله نظامی تخریب شده در باغ های جوار تاج بیگ (تزیینی)

یادداشت اندروپوف شرح میداد که،، ما با یک گروه کمونیست های افغان که در بیرون زندگی می نمایند در ایم،، ( اشاره خاص به کارمل و سروری- که تا آن زمان در اتحاد جماهیر شوروی در میان توطیه گرانی میزیستند که خود را بعد از مساعی ماه سپتمبر برای برکناری امین (مجمع) نمایندگی شوروی حفظ کرده بودند). آنها برای،، مقابله با امین و ایجاد یک حزب جدید و ارگانهای دولتی،، پلانی داشته برای کمک کرده بودند به شمول (کمک) نیروهای نظامی نتیجه گیری به بریژنیف بیان کرد: " دارای دو گردان در کابل هستیم که توانایی ارایه چنین کمکی را " گردانهایی که معلوم می شوند" بکلی برای یک عملیات موفقیت آمیز کافی باشند. اما به حیث یک اقدام احتیاطی علیه پیچیدگی های از پیش نادیده عاقلانه خواهد بود تا یک گروه نظامی در نزدیکی سرحد داشته باشیم".

کسی دارای عقیده ای باشد که اندروپوف داشت ( ) همزمان از هردوی پیشنهادات حفظ و زدودن امین حمایت می کرد معلوم می شود که هدف سفارش فرستاده شده به تاریخ دسمبر به حیث سرپوشی برای فرستادن عساکری بود که ود تاکودتا را انجام بدهند. پلان (همزمان) هردو هدف را در برمیگرفت. مطابق سفارش نامه فرستادن گروهان پاسخی به درخواست امین؛ که،، روی آن از جانب افغانی توافق شده،؛ و توسط بیرونی سیاسی شوروی تصویب شده بود. برمبنای رسیدن پنهانی (دزدانه) به میدان هوایی کابل در طی نخستین روزهای ماه دسمبر شانس خوبی وجود داشت که مقصد سفارش نامه نیز بود تا به یک حرکتی که از قبل در جریان اگر نه تکمیل شده، تایید (post facto) گفته ی اندروپوف در مورد از قبل داشتن،، دو در کابل،، این (کودتا) را بیشتر محتمل می نماید. بلا تکلیفی عمدتاً در هردوی حالت حین و از شواهد ناشی می شدند. (پلان) نشان میدهد که رخنه کردن واحد های عساکر خاص در طی یک زمان طولانی قطع و یا ادامه داده می شدند. در حالیکه دقیقاً در چه شرایطی و کدامین عساکر داخل کرده می مبهم باقی مانده بود.

هرچند واضح می که تا به اولین هفته دسمبر دست کم لی به تطبیق کرده بود. امین قرار بود برکنار یک رژیم جدید (برسرکار) در صورت نیاز نیروهای زمینی سرحد را عبور نمایند. با شکست درمسابی قبلی شان برای برکنار کردن امین بخاطر آنچه که آنها با حسن تعبیر، بی تصمیمی، از سوی تره کی می نامند شوروی ها مصمم بودند تا کاری کنند که این پلان کارا باشد.

اما اینبار وظیفه و تکلیف شان خیلی ها سخت و پرمسئولیت تر بود. در گذشته شخص اول در رژیم جای گزین شان در کنار بازیگران کلیدی مانند وطنجار و سروری درکابل بودند؛ همان کسانی که در نیروهای نظامی و امنیتی نفوذ داشتند. معهذاً، این آنها درکابل دارای رژیم سایه نبودند؛ ارتش افغان و نیروهای امنیتی در کنترل امین بود و آنها می بایست رژیم جانشین شان را از خارج وارد نمایند. همچنان آنها شاید نیاز داشتند تا قدرت آتش را برای دورکردن رژیم موجود وارد نموده و برای خنثی نمودن هرگونه عمل پیشی بینی نا شده ارتش افغان و نیروهای امنیتی(آن) مقابله نمایند.

با گذشته نگری محتمل می نماید که تلاش ترور امین به تاریخ دسمبر قرار بود تا آغازگر این پلان باشد. طبق گزارش یا شایعات آدم مسلح یک مسلمان افراطی فوراً به قتل رسید تا از تحقیق جلوگیری شده باشد. توجیحات گوناگون در بعد از آن مساعی ترور را به یک توطیه شوروی نسبت می دادند. بدیهی است که این از جنس آن کارهایی که بطور طبیعی در آرشبو های محافظت شده تولید شده باشد و بعضی از حکایات اخیر مبالغه آمیز پنداشته شده اند. هرچند یک اشاره قوی ایکه دقیق است دریک توضیحاتی بالنسبه اخیر از سوی یک جنرال سابق شوروی به میان آمده که در آن زمان درستاد مرکزی فرماندهی ارتش شوروی در ترمز خدمت می کرد. گفت که وقتی مارشال اخرامیوف معاون ستاد کل به تاریخ دسمبر برای بدست گرفتن فرماندهی عملیات افغانستان به مرکز فرماندهی ترمز رسید ابراز نظر کرد که امین، برکنار، ندک روزهایی بعد اخرامیوف گفته که وضعیت طوری پیش آمد که عمل علیه امین به مورد اجرا گذاشته نه شد.

اگر ترور در آن تاریخ [ ] می توانست پوشش بهتری برای عملیات فراهم نماید(با آنکه به درستی می توان گفت که بطور مذبحخانه به سرنوشت شوم (مواجه) می شد.... عساکر شوروی که قبلاً وارد ساحاتی در پای تخت به سرعت می توانستند مراکز کلیدی حکومتی را برای،، حفاظت شان،، در برابر عین حملات از سوی شورشگران متعصب محاصره نمایند. آنها قادر بودند برگشت مصون کامل را تأمین نموده و او را در حین تشکیل رهبری جدید و درخواست کمک اضافی نظامی شوروی حفاظت نمایند.



قصر تاج بیک بعد از عملیات الفاء(ترنیزی)

ایا این کارشوروی ها را درخود داری از بعضی از عکس العمل هایی - عکس العمل ها باپیامدهای سرنوشت ساز درطولانی - که بدنبال آمدند قادر ساخت جای گمانه زنی دارد. همین که امین از حمله به محل مسکونی مستحکم در بیرون شهر نقل مکان کرد ظاهراً شوروی ها پی بردند که زمان و مقتضیات فزیزیکی راه حل دیگری برایشان باقی نه گذاشته بدون یورش پرجنالی که بدان دست یازیدند. چیزی که در همه این حوادث اسرار آمیز معلوم می دامنه و وسعت کور بودن امین این حقیقت که این شوروی ها بودند که کلان ترین تهدید را به جان او متوجه نموده بودند. (با آنهم) او به درخواست، امنیتی، از عساکر شوروی ادامه داد (کاری) که در نهایت برکناری اش را برای آنان(شوروی ها) . ( نقل مکان امین درمحل مستحکم جدیدش نام برده درحالیکه به نظرمن ارگ به مراتب استحکام بیشتری نسبت به قصر تاج بیگ داشت. شاید این هم نیرنگ شوروی ها بود که او را در یک گوشه برده و قتل کردند. اگر پلان کشتن امین در ارگ صورت می گرفت شاید تلفات خیلی بیشتری بود.)

-----

پایان قسمت - - ادامه دارد.....

[143. "CPSU CC Politburo Decisions on Afghanistan, 13 September 1979, \(excerpts\)," \*CWIHP Bulletin\* 8-9, p. 154.](#)

[144. "CPSU CC Politburo Decision, 15 December 1979....," \*Ibid.\* , p. 154; "Cable from CC CPSU to GDR Leader Honecker, 16 September 1979," \*Ibid.\* , p. 155; "Information from the CC CPSU to Leader Honecker, 1 October 1979," \*Ibid.\* , p. 156.](#)

[145. "Gromyko-Andropov-Ustinov-Ponomarev Report to CPSU CC, 29 October 1979," \*CWIHP Bulletin\* 8-9, op cit., pp. 157-158.](#)

[146. Re Karmal's move to Moscow in October, see Pavel Demchenko, "How It Began in Afghanistan," \*Ekho Planety\*, No. 46, Moscow, November 1989, p. 28, and Garthoff, \*Détente and Confrontation\*, p. 1010.](#)

[147. "Extract from CPSU CC Politburo Decision, 6 December 1979," \*CWIHP Bulletin\* 8-9, op cit., p. 159. \(The 29 June protocol did indeed refer to a future deployment of a special GRU unit, although it said at the time that this was envisaged for Bagram.\)](#)

[148. Notes on this document taken by former Soviet Ambassador to the US Anatoly F. Dobrynin were provided to the Nobel Institute in Stockholm. See "Personnel Memorandum, Andropov to Brezhnev, n.d. \[early December\]," \*CWIHP Bulletin\* 8-9, p. 159.](#)

[149. See Garthoff, \*Détente and Confrontation\*, p. 1014, quoting an article by General V. Merimsky in \*Voyenno-istoricheskii zhurnal\* \[Military Historical Journal\] No. 11, Moscow 1003, pp. 31-32.](#)

[150. See for example Anwar, \*The Tragedy of Afghanistan\*, pp. 185-186, who received a description from someone who met with Amin two days before he was killed, and Garthoff, \*Détente and Confrontation\*, pp. 1017, who cites many other sources.](#)